

ORIENTAL STUDIES TRIPOS Part II

Middle Eastern and Islamic Studies

---

Monday 2 June 2008      13.30 – 16.30

---

**IS.18      PERSIAN LANGUAGE, 2**

*Candidates should answer **two** questions from Section A and **two** from Section B*

*All questions carry **equal** marks.*

*Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** Section booklet.*

**STATIONERY REQUIREMENTS**

*20 Page Answer Book x 1*

*Rough Work Pad*

**You may not start to read the questions  
printed on the subsequent pages of this  
question paper until instructed that you may  
do so by the Invigilator.**

## SECTION A

Translate two of the following three seen passages into ENGLISH. Comment upon as required. Each translation carries 20 marks and each commentary carries 15 marks.

1. Seen passage. Please translate and comment on Hafez's use of imagery to structure his poem.

صبا بلطف بگو آن غزال رخسارا      که سر مکوه و بس با تاج داؤدی مارا  
شکر فروش که عمرش در از باد چرا      تقدیری نکند طوطی شکر خارا  
غر و حسن اجازت مگر ندای گل      که بر پستی نکنی عنایب شیدا  
بخش خلق توان کرد صید نظر      بدام و دانه کنی ز مرغ دانا  
چو با حبیب نشینی و با ده پایایی      بیا دار حجتان باد همی آرا  
ندانم از چه سبب گم آشنائی میت      سہی قدان سیہ چشم ماه سیمارا  
بزاین قدر توان گفت جهان تو      که خال مهر و وفا نیست روی بیابا

در آسمان به عجب گریخته حافظ

سرو دزبهره برهن آورد سیحارا

2. Seen passage. Please translate and comment on the mystical meaning of the poem.

من مست و تودیوانه ، مارا که برد خانه  
صد بار ترا گفتم کم خور دو سه پیمانه  
در شهر یکی کس را بهشیار نمی بینم  
هر يك بتر از دیگر، شوریده و دیوانه!  
جانا بخرابات آی تا لذت جان بینی  
چنان راجه خوشی باشد بی صحبت جانانه  
هر گوشه یکی مستی دستی زده بردستی  
ز آن ساقی سر مستی با ساغر شاهانه  
ای لولی<sup>۱</sup> بر بطن زن، تو مست تری یا من؟  
ای پیش چو تو مستی افسون من افسانه!  
تو وقف خراباتی خرجت می و دخلت می  
زین دخل بهشیاران مسپار یکی دانه  
از خانه برون رفتم مستیم پیش آمد  
در هر نظرش مضمهر صد گلشن و کاشانه  
چون کشتی بی لنگر کز می شد و می شد  
وز حسرت آن مرده صد عاقل فرزانه  
گفتم ز کجایی تو تسخر زدو گفت ای جان<sup>۳</sup>  
نیمیم ز تر کستان نیمیم ز فرغانه<sup>۴</sup>  
نیمیم ز آب و گل نیمیم ز جان و دل  
نیمیم لب دریا باقی همه دردانه  
گفتم که رفیقی کن با من که هست خویشم  
گفتا که بنشناسم من خویش ز بیگانه  
من بی سر و دستارم در خانه خمارم  
یک سینه سخن دارم آن شرح دهم یا نه؟..

3. *Seen passage. Please translate and discuss the form.*

«خانه دوست کجاست؟» در فلق بود که پرسید سوار.  
آسمان مکثی کرد.

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شنها  
بخشید  
و به انگشت نشان داد سپیداری و گفت:

«نرسیده به درخت،  
کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است  
و در آن عشق به اندازه پره‌های صداقت آبی است.  
می‌روی تا ته آن کوچه که از پشت بلوغ، سر بدر می‌آرد،  
پس به سمت گل تنهایی می‌پیچی،  
دو قدم مانده به گل،  
پای فواره جاوید اساطیر زمین می‌مانی  
و ترا ترسی شفاف فرا می‌گیرد.  
در صمیمیت سیال فضا، خش‌خشی می‌شنوی:  
کودکی می‌بینی  
رفته از کاج بلندی بالا، جوچه بردارد از لانه نور  
و از او می‌پرسی  
خانه دوست کجاست.»

## SECTION B

5. Choose one of the following essay titles for an essay in English. (30 marks).

- (a) Discuss the different uses of wine-imagery encountered in Persian poems over the centuries.
- (b) Compare and contrast the tropes in classical and in contemporary Persian poetry. How do these fare in translation ?
- (c) Compare and contrast Ferdawsi's and Nezami's treatment of the story of Khusrow and Shirin.
- (d) Analyse and attempt to define "Beauty and Love" in the *Divan* of Hafez.

**END OF PAPER**